

**بهترین کتاب نقد ادبی**  
**شاعرانگی در داستان کوتاه مهران عسری به، نشر مروارید**

در این کتاب نویسنده به گونه‌ای از داستان به‌نام «داستان شاعرانه» پرداخته و با بررسی داستان‌های کوتاه برجسته این جریان، داستان شاعرانه را بازمی‌شناساند. در این کتاب، بررسی دستان‌های شاعرانه بیژن نجدی، ابراهیم گلستان، ابوتراب خسروی، شهریار مندنی پور و چند داستان نویس دیگر را می‌خوانید.

**بهترین کتاب ویراستاری**  
**بیباید ترجمه کنیم، علی صلح‌جو، نشر مرکز**  
 علی صلح‌جو که پیش از این کتاب «گفت‌مان و ترجمه» را منتشر کرده بود، در ادامه سری کتاب‌هایی که مربوط به تجربه او در دوران ویراستاری در موسسه فرانکلین است، و تجربه‌های بعدتر او، «بیباید ترجمه کنیم» را نگاشته است. در این کتاب مثنی‌های ساده را به شیوه تحلیلی ترجمه کرده و ضمن کار بر مسائلی تاکید می‌ورزد که معمولاً در فرآیند ترجمه پیش می‌آید.

**بهترین کتاب زندگی‌نامه**  
**پرویز داریوش، کامیار عابدی، نشر مروارید**  
 پرویز داریوش مترجم صاحب‌نام ایرانی است که در کنار ترجمه، در شعر و نقد هم فعالیت می‌کرد. کتاب حاضر در چهار بخش، مجموعه‌ای است از همه سرودها و تحلیل‌های او در دوران شکل‌یابی ادبیات مدرن ایران، به‌ویژه نیمه دهه ۱۳۲۰ تا آغاز دهه ۱۳۴۰، همراه با خلاصه آرا و یاد‌های چند تن از ادیبان و نویسندگان هم‌عصرش درباره این مترجم، تحلیلگر ادبی و شاعر.

**بهترین کتاب خاطره‌نگاری**  
**بروین‌گل از خاطرات من، همیون کاتوزیان، نشر مرکز**

همایون کاتوزیان نامی آشنا در حوزه تاریخ‌نگاری ادبی و نقد ادبی، به‌ویژه در حوزه هدایت‌شناسی است. او از صاحب‌نظران حوزه سیاسی نیز هست: کتاب «ایران جامعه کوه‌مدت» و «تصادف دولت و ملت» از جمله آثار درخشان اوست. خواندن برگ‌هایی از خاطرات او، امکان زیست دوباره‌ای است برای هر خواننده علاقه‌مند به ادبیات و سیاست و فرهنگ. خاطرات کاتوزیان از دوران نوجوانی در دبیرستان البرز آغاز می‌شود و با ادامه تحصیل در انگلستان و فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی و تدریس در دانشگاه ادامه پیدا می‌کند: از آشنایی با خلیل ملکی و داریوش آشوری و جلال‌ال‌احمد و دیگران.

**بهترین کتاب تاریخی**  
**هویت ایران، فخرالدین عظیمی، نشر آگاه**  
 نویسنده در این کتاب به بررسی «هویت ایران» (به عنوان وطن) می‌پردازد. او در این کتاب با طرح کردن پرسش‌هایی از جمله هنگام اندیشیدن درباره هویت ایران، چه جنبه‌هایی از زیست فرهنگی گذشته را باید بیشتر بررسی کرد یا بر کشید؟ چه دستمایه‌هایی از آن فرهنگ به کار آید و آموزش جان، فرهیختن اندیشه و پرورش آداب و گفتار رفتار می‌آید؟ به دنبال یافتن «هویت ایران» است.

**بهترین کتاب جستارنویسی**  
**چرا شد محو از یاد تو نامم، افسانه نجم‌آبادی، نشر بیدگل**

افسانه نجم‌آبادی نویسنده، پژوهشگر و استاد دانشگاه هاروارد در رشته مطالعات زنان، تاریخ و جنسیت است. «حکایت دختران قوچان»، «نهفت نسوان شرق» و «زنان سیسیلو و مردان بی‌ریش» از آثار شاخص اوست. کتاب «چرا شد محو از یاد تو نامم؟» شامل ۹ مقاله است که نویسنده در آن تلاش دارد از منظر تاریخ را بازخوانی کند که زن در آن غایب و در حاشیه نباشد.



# کتاب‌های برتر ادبیات داستانی فارسی در سال ۱۳۹۹



**آرمان ملی - گروه ادبیات و کتاب:** به سنت بیشتر نشریه‌های معتبر دنیا، که در پایان سال، برترین کتاب‌ها را در همه حوزه‌ها انتخاب می‌کنند، گروه ادبیات و کتاب آرمان ملی نیز، مثل سال‌های پیش، دست به انتخاب کتاب‌های برتر در حوزه ادبیات داستانی و دیگر حوزه‌های غیر داستانی زده است. انتخاب کتاب‌ها از بین کتاب‌های منتشر شده از اسفند ۹۸ تا اسفند ۹۹ بوده است. آنچه می‌خوانید ۱۰ رمان و پنج مجموعه داستان برتر فارسی در سال ۱۳۹۹ که انتخاب گروه ادبیات و کتاب آرمان ملی است.

## ۱- بازگشت ماهی‌های پرند

مجموعه داستان «سرهنگ تمام» نخستین تجربه داستان‌نویسی اتوسا افشین نوید بود که از سوی نشر چشمه در سال ۹۲ منتشر شد. افشین نوید متولد تهران است. شهری که دغدغه او شده برای پیداکردن زیبایی‌هایش در قصه‌های «سرهنگ تمام»؛ با این حال همه زندگی او تهران نیست؛ انطور که خودش می‌گوید: «من چیزی به‌نام وطن را روز فتح خرمشهر کشف کردم.» شاید همین کشف، او را به دهه شصت و جنگ و مهاجرت سوق داده برای ساخت جهان داستانی‌اش، به‌ویژه در رمان «بازگشت ماهی‌های پرند».

رمان «بازگشت ماهی‌های پرند» نوشته اتوسا افشین نوید با مرگ آغاز می‌شود. و همین مرگ است که بپایه مرور زندگی شخصیت اصلی (تران) در قالب یک تک‌گویی درونی می‌شود. داستان در فاصله‌ای دوازده‌ساعته بعد از شنیدن این خبر، روایت می‌شود. و مخاطب را از حال به گذشته و بالعکس با خود همراه می‌کند. این روایت پسر نگر غیر خطی، در بخش‌بندی‌هایی منظم ارائه می‌شود و با این تمهید است که پای مخاطب، بدون هر مقدمه‌چینی اضافه یا درگیری در فهم فرم به داستان باز می‌شود و با داستان زنی در آستانه جهل سالگی آشنا می‌شود که برای رسیدن به آنچه حشش بوده سختی‌های مهاجرت را به جان خریده و بعد از آن هم بسیار تلاش کرده تا در سرزمینی بیگانه، از نو شروع کند و به موفقیت برسد. اما با شنیدن خبر مرگ عزیز یار دیگر به گذشته‌های پرتاب می‌شود که سال‌های مهاجرت از آن فرار کرده؛ زمان تقویمی این گذشته به سال‌های بعد از انقلاب و اوج جنگ بازمی‌گردد.

## ۲- کوچه عروس کثون

رمان «کوچه عروس کثون» اولین تجربه داستان‌نویسی مهدی باتقوا نویسنده اصفهانی است؛ شروعی خوب برای نویسنده‌ای که پیش از این در زمینه ادبیات کودک و نوجوان چند اثر ترجمه‌نشر کرده بود. باتقوا در این اثر، ماجرای دو برادر دوقلو را روایت می‌کند که هر کدام به صورت جدا، برای دیدن خواهر عروس‌شان به تهران سفر می‌کنند؛ سفری کاشفانه‌امیز که باهمه سختی‌هایش، جذابیت پنهان پایتخت را نشان می‌دهد.

«کوچه عروس کثون» از همان ابتدا مخاطب خود را چه در فرم و چه محتوا به چالش می‌کشد. با خوانش داستان‌ها متوجه شخصیت‌های مشترک در جغرافیای یکسان می‌شویم. «کوچه عروس کثون» در فرم شباهت‌های زیادی با «عزاداران بیل» ساعدی دارد. حتی از نظر محتوا، انتخاب جغرافیایی غیر از پایتخت و در عین حال ارتباط روستا و پایتخت در هر دو کتاب وجود دارد؛ اما در «کوچه عروس کثون» داستان‌ها ارتباط بسیار ملموس‌تری باهم دارند. ارتباطی که حاصل یک شاه‌پرنگ در محتوای کلی کتاب است و برخلاف «عزاداران بیل»، مهدی باتقوا در این کتاب تنها به ارتباط مضمونی در زیرلایه‌های داستان اکتفا نکرده است.

## ۳- یادداشت‌های سردبیر هایاتسک

روبرت صافاریان را معمولاً با نقدها و مقالات و ترجمه‌هایش در حوزه سینما می‌شناسیم؛ از همین منظر است که می‌توان به رمان کوتاه او یعنی «یادداشت‌های سردبیر هایاتسک» نگاه کرد؛ رمانی که به نوعی تجربه زندگی اوست و همان‌طور که از عنوانش هم پیداست نویسنده از قاب یادداشت برای شرح‌وسط داستان خود بهره برده است.

داستان با توصیف موقعیت مکانی دفتر ماهنامه هایاتسک (در ارمنی به معنی نگاه) شروع می‌شود. همچنین با شخصیت‌های اصلی داستان در حد نقش‌هایشان (منشی، گرافیسیت، آبدارچی و راوی - سردبیر) و حتی بعضی نقش‌های فرعی آشنا می‌شویم. این ایجاز و انتقال اطلاعات سراسرت به مخاطب تا انتهای کتاب حفظ می‌شود و از مولفه‌های یک‌دست‌بودن متن است. اما این تنها ویژگی مثبت متن داستان نیست. زبان ساده و به‌اصطلاح روزنامه‌نگاری راوی اول شخص هم در فرم و هم محتوا در خدمت داستان است. توصیف و صحنه‌هایی که نویسنده از مکان‌ها و کنش‌های بیان می‌کند نیز موقعیت‌های بسیار تصویری و قابل‌تصور را می‌سازد که می‌تواند به‌دلیل تبحر روبرت صافاریان و تجربه‌اش در بخش سینما باشد. نکته حائز اهمیت این است که کل داستان در تک‌مکان (دفتر هایاتسک) اتفاق می‌افتد. با وجود این، مخاطب به‌هیچ‌عنوان دچار ملال نمی‌شود؛ چرا که نویسنده، اتفاق‌ها را به‌طرزی موزون روایت می‌کند، همچنین هر کجا لازم است مطلبی از گذشته یا از آینده بیان می‌شود تا هم خواننده اشراق بیشتری نسبت به مسائل داستان پیدا کند و هم بار تعلیق ماجرا حفظ شود.

## ۴- ج

پیمان هوشمندزاده کارش را با کتاب «دوتا نقطه» در سال ۷۹ شروع کرد و سپس با کتاب کودک و نوجوان «وقت گلی» ادامه

داد. اما با «هاگردن» که در سال ۸۶ از سوی نشر چشمه منتشر شد، مورد استقبال منتقدان و مخاطبان ادبیات داستانی قرار گرفت. کتاب در همان سال برنده جایزه نهمین دوره جایزه منتقدان و نویسندگان مطبوعات شد و تا به امروز بیش از پانزده‌بار چاپ شده. مجموعه داستان «شاخ» و کتاب «لذتی که حرفش بود» (شش تک‌نگاری درباره دیدن و زیستن)«ج» دو اثر بعدی او بودند. «ج» آخرین اثر هوشمندزاده است.

«ج» در اصل نخستین رمان کوتاه (داستان بلند) هوشمندزاده است و مثل کارهای پیشین او، با نگاه عکاس‌وار او نوشته شده و خواننده را درگیر مفاهیم انسان و هستی از منظر نگاه‌تیزبین یک عکاس نویسنده می‌کند. داستان بلند «ج» را می‌توان سفری برای کشف «هویت» دانست؛ سفری اکتشافی که با پرسشی بنیادین درباره درک جهان از طریق حواس انسانی شکل می‌گیرد؛ اینکه از منظر ادراکات حسی، موقعیت «من» در جهان هستی چیست؟ رویکرد شخصیت‌محوری این داستان در درک «من» به مثابه ابزاری برای تعریف جایگاه هستی‌شناسانه‌اش، به آنچه هوسل در این رابطه می‌گوید بسیار نزدیک است. در این دیدگاه، جسم و پیمای که به ذهن منتقل می‌کند، اهمیت ویژه‌ای دارد و در نهایت همان هم به تفکر می‌انجامد. به همین خاطر، همراهی بدن برای تحلیل آنچه از محیط می‌گیرد و به شناخت منجر می‌شود، ناگزیر است. در واقع نه «من» می‌تواند خود را از «تن» دور کند و نه برای تن امکان فاصله‌گرفتن از من وجود دارد. چنین برداشتی از ویژگی‌های فیزیکی و نقش آن در تعیین ماهیت جهان، دقیقاً عکس‌نظر به‌های دکارت در این زمینه است؛ یعنی در اینجا انتزاعات نیستند که از موقعیت مادی انسان تعریفی ارائه می‌دهند، بلکه این دریافت‌های حسی هستند که به جهان‌بینی انسان شکل می‌دهند. از این رو، مادامی که تن به توانایی شناختی با جهان نرسد و پیامی حاکی از آن را در قالب حواس نفرستد، رسیدن به تعریفی مشخص از «خویشتن» ناممکن می‌نماید. در رمانی‌های که قلب تپنده داستان «ج» هم هست.

## ۵- بوی مار

مهدی‌الدین بیروتی با حضور در کلاس‌های هوشنگ گلشیری و بعدها کلاس‌های شهریار مندنی‌پور که تاثیر آنها در داستان‌های او مشهود است، از او داستان‌نویسی ساخته که با تکیه بر زبان و نثر، سعی در خلق و ایجاد فضاهای نو دارد، به‌ویژه اینکه در هر اثر او می‌توان ردپای یک تکنیک و فرم متفاوت را جست‌وجو کرد. رمان «بوی مار» آخرین اثر اوست؛ رمانی که بار دیگر نشان از جدیت نویسنده‌ای دارد که تلاش دارد دغدغه‌هایش را که به قول خودش «خواب و خوراک» را از او گرفته با مخاطبان در میان بگذارد؛ دغدغه‌هایی از جنس انسان و هستی.

«بوی مار» حول محور گم‌گشتگی انسان عصر مدرن روایت می‌شود. انسانی که تنها امکانات و ابزار ارتباطی پیشرفته او را به آسودگی نرسانده، بلکه دغدغه‌هایش را هم بیشتر کرده. او در میانه‌های همین فقدان رابطه موثر و سازنده است که مدام «انسانم آرزوست» را جار می‌زند و به‌دنبال کسی می‌گردد که راه و رسم آدمیت را بشناسد. مساله هویت از مباحث مهم و چالش‌برانگیزی است که طیف وسیعی از شاعران و نویسندگان به آن پرداخته‌اند. جهان امروز با پیشرفت چشمگیر در زمینه‌های مختلف انسان امروزی را با پرسش‌های بسیاری در رابطه با چیستی و هستی خود روبرو کرده که نهایتاً به آشفتنگی و گمگشتگی او منجر شده است. در رمان «بوی مار»، نوشته منیرالدین بیروتی، با شخصیتی از این دست آشنا می‌شویم. رمان با پیشانی‌نوشتی از «نویسنده‌ای درون‌متنی آغاز می‌شود که خواننده را از جاع می‌دهد به نامه‌ای در صفحه بعد، که «نیرقام» نامی در وصف «عمید» نامی نوشته است. گرچه این دو بخش جزو بخش‌های سه‌گانه رمان به حساب نیامده‌اند، اما خود درجه‌ای هستند برای گشودن رمانی که روایت زندگی شخصیت‌هایی است که «گرفت و گیر زندان‌های تودرتو و هزارتو دارند و هر دری را که به زور و ضرب ریاضت و تمرین و تکرار واهی می‌کنند، به در دیگری می‌رسند.»

## ۶- ماه غمگین، ماه سرخ

رضا جولایی از برجسته‌ترین نویسندگان صاحب‌سبک معاصر است، که آثارش بازمانی روح زمانه است؛ چراغی هم‌چنان روشن در ادبیات این مرزوبوم، که هر خواننده‌ای را به بازخوانی دیگر‌بار خود و گذشته تاریخی که بر او رفته است، دعوت می‌کند. جولایی در «یک پرورنده گپنه» داستان مرگ محمد مسعود روزنامه‌نگار را روایت می‌کند و در «شکوفه‌های عناب»، داستان مرگ صوراسرافیل روزنامه‌نگار را، و اکنون در کتاب تازه‌اش «ماه غمگین، ماه سرخ» داستان مرگ میرزاده عشقی شاعر و روزنامه‌نگار را.

«ماه غمگین، ماه سرخ»، داستان پنج روز پایانی عمر میرزاده عشقی است. از روز ۸ تیر ۱۳۰۳ تا ۱۳ تیر همان سال که جمعیت با اعلامیه مدرس برای تشییع جنازه سید غریب مظلوم جلوی مسجد سیه‌سالار جمع می‌شوند. روزهایی که میرزاده عشقی در خیال کابوسی که چند شب پیش دیده غرق شده و مرگ را پیش از پیش به خود نزدیک می‌بیند، می‌خواهد از مرگ بگریزد و از طرفی به مسیری که در آن قدم برداشته بدبین شده.

جولایی در این رمان در خلال پرداخت به روزهای پر تنش زندگی میرزاده عشقی، به روایت‌گرانی در به‌های از تاریخ دست می‌زند؛ روزهای نخست‌وزیری رضاخان که زمزمه جمهوریت به گوش می‌رسد و سردار سپه در حال انجام تدارکات برای نخستین بر تخت سلطنت است. او هر مانعی را که قصد به تعویق‌انداختن این امر داشته باشد از سر راه برمی‌دارد و هر عامل مخالفی را از پیرو جوان گرفته، در نطفه خفه می‌کند تا فضایی یک‌دست را تحت کنترل بگیرد؛ چنانکه با تلف شدن نوزاد نارس مشروطه، «حالا رفت‌وآمدها در خیابان زیاد شده. مردم زندگی را آغاز کرده‌اند. می‌خواهند زنده باشند، زندگی کنند. به فردا هم امیدوارند.» هیچ قدرتی یاری مقابله با قدرت سیاسی را ندارد. «ماه غمگین، ماه سرخ» محل‌جدال است، جدالی که هنرمند و فرد صاحب‌اندیشه را در ارتباط با حکومت به تصویر می‌کشد و در این میان جنون تجلی پیدا می‌کند؛ هرچند فرد با جنون زاده نمی‌شود اما تجربه زیسته فرد او را به سمت چنین وضعیت‌ی سوق می‌دهد و تعریف تازه‌ای از انسان به نمایش می‌گذارد.

## ۷- من، شماره سه

عطیه عطارزاده با نخستین رمانش «راهنمای مردن با گیاهان دارویی» توانست در دو جایزه ادبی به مرحله نهایی برسد. در جایزه احمد محمود از گرفتن آن ناکام ماند، اما در جایزه هفت‌قلیم عنوان بهترین رمان سال ۹۶ را از آن خود کرد. عطارزاده به‌جز این کتاب، دو مجموعه‌ش هم دارد. «زخمی که از زمین به اُرت می‌برید» و «سب را در نیمه تنت برهان» که برگزیده جایزه شعر خبرنگاران سال ۹۵ شده است. «من، شماره سه» دومین رمان اوست؛ کاری که تجربه تازه‌ای از روایتی مخاطب با آثار اوست.

عطارزاده در رمان دومش «من، شماره سه» هم کماکان نسبت به فضای سوررئال که در کار اولش بود، وفادار مانده و سعی کرده از ابهامات خود‌خواسته دنیای تازه‌ای خلق کند. او این‌بار دست بر نقطه‌ای حساس گذاشته. او به دنیای جنون سفر کرده است. زمان «من، شماره سه» برخلاف فضا و روایت زنانه «راهنمای مردن با گیاهان دارویی» فضایی کاملاً مردانه با راوی مرد دارد. انتخاب شخصیت بیمار روانی پر از پرسش‌های ذهنی تنها عاملی برای شروع یک داستان جالب مناسب است، بلکه این انتخاب کاراکتر، علی‌حده تشویق خواننده بر خوانش این رمان ذهنی است. جنون و پریشانی ذهن و از طرفی روایت سیال گونه‌ذهنی همواره از جذایب‌های دنیای ادبیات داستانی هم برای نویسنده و هم برای مخاطب بوده است. «من، شماره سه» روایت بیماری است بی‌زبان و ساکت در یک تیمارستان که هیچ کدام از افراد آنجا مردان را نمی‌دانند. او که اسم ندارد، روزگار عجیبی را گذرانده تا راهش به تیمارستان افتاده است. شاید آنچه در این رمان بیش از همه چیز نمود دارد، تصویری محو از راوی است. مردی تقریباً بی‌چهره. بیماران روحی، روانی که شاید درک درستی از حضور خود در جایگاهشان ندارند. و این همان نکته مهم در طرح داستانی این رمان به نظر می‌رسد؛ اینکه این بیماران روانی خودشان را فاقد هر گونه هویتی نسبت به افراد دیگر می‌دانند.

## ۸- پنج شب

سمیه مگنکار می‌توان متفاوت‌ترین نویسنده این سال‌های ایران به‌شمار آورد. او با «غروب‌دار» شروع بسیار خوبی در ادبیات داستانی فارسی داشت؛ شروعی که برایش نامزدی در جوایز ادبی احمد محمود و هفت‌قلیم و مهرگان ادب را به‌رمغان آورد و توانست کتاب دوم جایزه ادبی پوشهر را نیز آن خود کند. منتقدان و نویسندگان بسیاری نیز در ستایش آن نوشتند که شاید بهترین توصیف را دکتر امیرعلی نجومیان از این کتاب داشت: «غروب‌دار در ادبیات فارسی مثل ندارد.»

آسایشگاه روانی یکی از مکان‌های مهم در شکل‌گیری تاریخ بشر بوده و محل اتفاقات مهم و البته سوژه‌ای برای داستان‌نویسان و فیلمسازان. بستری که سمیه مگنکار نیز از آن بهره جسته تا با خلق فضایی سوررئال، قصه داریوش کلباسی را در «پنج شب» روایت کند. شخصیت‌های رمان که همه در «مرغ‌گنده» خلاصه می‌شوند، تمثیلی از «مرگ» (لا‌به‌لای) مرگ که در سطر سطر کتاب تشییع می‌شود، شخصیت‌های کتاب مدام در هم حلول پیدا می‌کنند برای صاحب مرگ شدن. از ابتدا تا انتهای «پنج شب»، کلمات همدیگر را زخم می‌زنند تا از دل تاریک خود، کلمه‌ای تازه با بار معنایی و تصویری نو خلق کنند. وزدان و باوری کلمات برای ساختن

زبانی نو، ویژگی مهم نثر سیمه مگنکار است برای روایت قصه‌اش، و البته ساختن دنیایی که او می‌خواهد در آن آدم‌هایش را به حرف وادارد برای بازگویی پلشتی‌ها و زشتی‌ها و ناملایمتی‌های اجتماعی و سیاسی؛ به بیانی دیگر، «پنج شب» تصویر هولناک و خونفامی مرگ برای نشان‌دادن دنیای «آدم‌هایی است که ضرورت زندگی از آنها سلب شده است.

## ۹- باد نوبان

دکتر جمشید ملک‌پور در فضای فرهنگی و آموزشی ایران بیشتر به‌عنوان چهره‌ای تئاتری شناخته می‌شود؛ اما همان‌طور که خودش می‌گوید جایی در حین نوشتن کتاب «ادبیات نمایی ایران» تصمیم می‌گیرد، داستان بنویسد، و این می‌شود که او تاریخ و تئاتر را با اسطوره به داستان می‌آورد و قصه آدم‌هایش را می‌نویسد. آخرین اثر منتشر شده او رمان کوتاه «باد نوبان» است که در جنوب، زادگاه نویسنده می‌گذرد.

«تخلو» شخصیت اصلی رمان، منشی قابل درک دارد و خاستگاه بیماری او نه به دلیل حلول جن و زیر تأثیر باد، بلکه مشخصاً به علت مناسبات اجتماعی‌اش با ناخدا و حاج رئیس و استوار جواد می‌ستمی است که بر او رفته است. رمان به این اعتبار، سه لایه دارد: نخست، لایه اسطوره‌ای یعنی جاهایی که از عناصری فراطبیعی چون باد و اجنه و نوبان و بابور سخن می‌رود و دوم، آنچه ما از آن به هیستری تعبیر می‌کنیم، اما لایه سوم، هنرنامه‌ای است که نویسنده مشخصاً از روابط خانوادگی و طبقاتی و ایدئولوژی و قدرت می‌نویسد. در این حال، نوع روابط اجتماعی، قدرت و ایدئولوژی تبا، به خواننده کمک می‌کند تا علل و اسباب لایه دوم رمان را در یابد و میان این سه لایه، پیوندی بیابد.

آنچه از رمان برمی‌آید، بیشتر تأکید بر این واقعیت است که اصولاً پدیده‌ای به نام «باد» و قدرت جهنمی او وجود ندارد. این گونه آموزه‌ها، دکانی برای گذران زندگی انگلی جادوگران، شیدان، سالدولوحان و همه کسانی است که از قبل آن زندگی می‌گذرانند یا سعی در تحمیق مردم دارند. تخلو دوباره نیست؛ زاینده طبیعی جامعه بیماری و عقب‌افتاده‌ای است که مردمش دوست دارند شیوه و شوهرش را عامل نیامدن باران، کمبود ماهی و صید و شیوع بیماری در آبادی معرفی کنند. این اندیشه خواننده را وامی‌دارد تا از این پدیده به‌عنوان ایدئولوژی تعبیر کند؛

## ۱۰- بریدگی

حسین قسامی سال‌ها است در حوزه سینما و فلسفه و ادبیات فعالیت دارد. اولین رمانش، «یک نمکدان پر از خاک گور»، روایت مواجهه سه مرد است که عاشق سه جلوه از یک زن شده‌اند. رمان دوم، «خاکسپاری ماهی قرمزها»، به‌نوعی ایپیزود دوم رمان اول اوست. رمان سوم، «قص گراز»، فضایی جنجالی دارد. و در رمان چهارمش، «ته» -Tun- داستان را از یک شخصیت فراتر می‌برد و روایتی به وسعت یک شهر تدارک می‌بیند. و حالا، «بریدگی»، این رمان چهار خط‌روایی دارد که با اتصال حروف «ب، ج، د» که به چهار حرف ابتدایی الفبای قدیم سامی اشاره می‌کند به همدیگر مرتبط می‌شوند؛ اثری که همین رازآلودگی‌اش است که مخاطب را به دل حوادث می‌کشاند.

وجه تسمیه داستان به بریدگی گردن قهرمان داستان اشاره دارد؛ گویی وقایع از رگ گردن هم به‌دررونامه داستان نزدیک‌ترند و از سویی تقدیمی کتاب هم درخور توجه است، نویسنده کتاب را برای او که در سایه نشسته تقدیم کرده و می‌نویسد و این در سایه‌بودن می‌تواند اشاره به حضور مخاطبی باشد که کتاب را به دست می‌گیرد. روایتی که «بریدگی» از آن سخن می‌گوید روایتی به شدت تصویرمحور است و این تصویر است که موقعیت، شکل و به داستان، جان می‌دهد و وجودش برای داستان، امری حیاتی است. در این رمان ما با چیزی به نام موقعیت سروکار داریم و آن چیزی که داستان را پیش می‌برد همین موقعیت است و ساختار داستان بر پایه آن بنیان نهاده شده و البته زومی که از تصویر به کتاب می‌شود، این نکته نیز موضوعی است مهم، که توجه نویسنده در آن حضور دارد و اثر بازگشتی از تصویر به ادبیات دارد و از ادبیات به تصویر و این کاملاً فکر شده و حساب‌شده است.

## پنج مجموعه داستان برتر ۱۳۹۹

- ۱- هاملت در نیمه باران، اصغر عبداللهی، نشر چشمه
- ۲- عشق‌نامه ایرانی، کیهان خانجانی، نشر چشمه
- ۳- نیرواای نامنکن ماه، مهدی ملک‌شاه، نشر ثالث
- ۴- حافظه پروانه‌ای، بهزاد علیپور گسگری، نشر آگه
- ۵- گر به‌ها تصمیم نمی‌گیرند، ناتاشا امیری، نشر ثالث